

مقبولات ارتکازی / نظریه های خفته (ش.ش)

بسیاری از ارتکازات، در ذهن دانشمندان وجود دارد که به طور ناخودآگاه مقبول هستند؛ اما نمی توان آن ها را نظریه دانست. از جمله مقبولات ارتکازی یا دیدگاه های خفته. مثلاً پیش تر، دانشمندان، مبتلا به این اصل موضوع مبدل بودند که «اگر اشیاء سنگین و سبک با هم از بلندی، رها شوند، سنگین ترها، زودتر از اشیاء سبک به زمین می رسند» این دیدگاه را دانشمندان، شاید به زبان نمی آوردند، اما در ارتکازشان چنین چیزی را پذیرفته بودند و همین، مبنای خیلی دیگر اندیشه ها، واقع می شد (گالیله، دریافت که این طور نیست) یا اینکه اساساً همه، ارتکازاً این را اصل موضوع گرفته بودند که هندسه ای بجز هندسه اقلیدسی، متصور نیست (هندسه هذلولی این تصور ارتکازی را به هم ریخت) یا فلاسفه، ارتکازاً باور داشتند که حرکت در جوهر، امکان پذیر نیست (ملاصدرا آن را بهم ریخت) یا مثلاً گاه افراد نخبه یک جامعه، زندگی علمی معمول خود را دارند و ارتکازاً پذیرفته اند که در جامعه ایشان، انقلابی رخ نمی دهد (یک اصل موضوع ارتکازی خاص و حال آن که انقلاب در راه باشد) یا اینکه به طور ارتکازی گمان کنیم که «همواره، یک زاویه، از دو ضلع ساخته شده است» (اگر به نوک مخروط بنگرید درمی یابید که زاویه یک ضلعی، نیز وجود دارد) و... مقبولات ارتکازی، لزوماً غلط نیستند. بلکه در دیواره ها و زیرستون های اندیشه های ما تعبیه شده اند؛ ولی ما به خدمت و خیانت آن ها توجه نداریم. مقبولات ارتکازی

را می توان دیدگاه های خفته نامید. همچنین اطلاعات متکثر و خوب ثبت شده و درس های خوب خوانده شده و اخبار خوب گراوری شده، نظریه نیستند. نظریه، باید یک متکثر، انسجام یافته و موجه و با کفایت تبیین، باشد.

مقبولات ارتکازی، لزوماً غلط نیستند. بلکه در دیواره ها و زیرستون های اندیشه های ما تعبیه شده اند؛ ولی ما به خدمت و خیانت آن ها توجه نداریم. مقبولات ارتکازی را می توان **نظریه های خفته** نامید.

پیوندهای مرتبط

♣ نظریه